

پایان‌نامه

مدرسه: غیرانتفاعی نخبگان سرای دانش	نام درس: فارسی تاریخ: ۱۴۰۲ / ۱۰ / ۹	پایه: دوازدهم رشته: تجربی و انسانی	نام: نام خانوادگی:
---------------------------------------	--	---------------------------------------	--------------------

الف) فلمرو زبانی (۷ نمره)

۱) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید: ۱ نمره

خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد - گویند که بطي در آب روشنایی ستاره می دید - خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده - پیرمرد از داخل کازیه چک پاکت کهنه برداشت. بستان - صد عابی - بی صفا جه - حاج اعذ ج جه جه

۲) در هر یک از موارد زیر یک غلط املایی دیده می شود، واژه را بیابید، صحیح آن را بنویسید؟ ۵/۱

الف) وسول به حسن ممکن نشود الا به واسطه عشق. وصول

ب) تا وارهی از دم سطوران وین مردم نحس دیومانند. واترلو

ج) در کنار بروکسل، کوه و تپه های بسیاری وجود دارد که «واترلو» خوانده می شود.

۳) در هر یک از موارد زیر املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید: ۵/۱

الف) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و (خان - خوان) نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

ب) جزیره های کوچک و بزرگ مثل وصله های رنگارنگ بر (تیلسان - طیلسان) آبی مدیترانه دوخته شده است.

۴) جزء حذف شده در جمله زیر را مشخص کرده، نوع حذف آن به چه قرینه ای است؟ ۵/۱

چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن. کرنم لعطل

۵) عبارت زیر چند جمله دارد؟ ۲۵/۱

«لحظه عزیز و شورانگیزی بود؛ لحظه ای که هر سال از نخستین دم بهار، بی صبرانه چشم به راهش بودیم و تابستان وصال،

امیدبخش و مهربان می آمد.»

۳ جمله

۶) نقش واژه های مشخص شده را بنویسید: ۵/۱

صفاف عله مسند صفقول
حقیقت عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.

۷) با توجه به جمله «آخرین چراغ امپراتوری روم را مسولینی روشن کرد»، به سوالات پاسخ دهید: ۵/۱

الف) نقش دستوری واژه «روشن» را بنویسید: مسند

ب) کدام واژه «مضاف الیه مضاف الیه» است؟ روشن

۸) در نوشته زیر یک نقش تبعی با ذکر نوع آن مشخص کنید: ۵
ر، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی. دیوارهای قطور و باروهای دود خورده آن گوید...

۹) بیت زیر به شیوه بلاغی است آن را به یک جمله عادی برگردانید: ۵
خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند
لبنان... مملکت... کو... بدلد... بوری... سر... حکایت... آنها... دند... خلیج... اسما... لعله... خون... گلخان... مرنلیں... نموده است.

۱۰) با توجه به نوشته زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید: ۵
«عشق کردم از این که فهمیده اید، انهدام آن تیربار، کار من بوده است.
الف) زمان هر دو فعل «فهمیده اید» و «بوده است»، «ماضی نقلی» است.
ب) در گروه اسمی «انهدام آن تیربار»، واژه «تیربار»، هسته گروه اسمی است.

۱۱) الگوی ساخت همه گزینه ها به جز گزینه «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است. ۲۵
۱) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می گرداند.
۲) محبت به غایت را عشق خوانند.
۳) برخی عاشق را دیوانه می پنداشند.
۴) همه موجودات، طالب حسن اند.

۱۲) نوع حرف «و» (ربط - عطف) را در هر یک از بیت های زیر مشخص کنید: ۵
الف) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت.
ب) دیروز در غربت باع من بودم و یک چمن داغ.

ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)

۱۳) واژه های مشخص شده نماد چه مفاهیمی هستند؟ ۵
اسنان... گاصل... عارف... آنها... خود... (اعلوی)
الف) بشنو از نی چون حکایت می کند.
ب) ای مرغ سحر عشق زیروانه بیاموز

۱۴) در جمله «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابریهاری را فرموده تا بنات نبات بپرورد». ۵
الف) اضافه تشبيهی را مشخص کنید: (دو مورد)
ب) سمع را در عبارات بیاید و بنویسید:

۱۵) در باره تلمیح به کاررفته در بیت زیر در یک سطر توضیح دهید: ۵

با آن که جیب و جام من ازمال و می تهی است
مارا فراغتی است که جمشید جم نداشت
بلطفه... دلبر... دلبه... دلستان... چشم... مده... بیا... (بسلاه)... بیس... دلمری... کوچه... جام... دلست... کردی... کوائن... حوالدی... آنده... راد... (آن) سینز

۱۶) شعر آزادی، نمونه ای از اشعار وطنی... سما... برد... همسه... تلفز... مهمن... است که به بیدادگری... بیجه... برد... همسه... اشاره دارد. ۵

۱۷) نام نویسندهای آثار زیر را بنویسید: ۵
الف) حقیقته العشق... سما... بید... المدین... سهدور (رسی)
ب) فيه ما فيه.... صو... لور... منی...

- ۱۸) آرایه مشترک ابیات زیر اسلوب معادله است یا حسن تعلیل؟ یک دلیل بنویسید:

الف) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را
دزد دانا م کشد اول چراغ خانه را

ب) محرم این هوش جز بی هوش نیست
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

- ۱۹) در جمله زیر یک کنایه را بیابید و مفهوم آن را بنویسید:
یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.
کنایه از روزی داشت

٥) شعر حفظى:

* عبارت های زیر را بخوانید و به فارسی روان بنویسید: (۴ نمره)

- ۲۱) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد هر که بی روزی است روزش دیر شد. ۱/۵

۲۲) همت از باد سحر می طلبم، گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است. ۱/۵

۲۳) تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن ها پس افکند ۱/۵

۲۴) عشق، آتش است هر جا که باشد جز او، دیگری رخت ننهد. ۱/۵

۲۵) آدمی به جا می رود گمان می کند به غایت القصوای مقصود خود رسیده است. ۱/۵

۲۶) بلغ العلی بکماله، کشف الدجی بجماله. ۱/۵

۲۷) صبح، هنگام چریغ آفتاب کنار قنات حسنی اترواق می کردیم. ۱/۵

۲۸) گفت آگه نیستی کز سر درافتادت کلاه / گفت در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست ۱/۵

۵) درگ مطلب (۴ نمره)

۲۹) با توجه به متن زیر، به موارد خواسته شده پاسخ دهید:

ناله های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبیش، در کنار آن مدینه پلید، سر در حلقوم چاه می برد و می گریست.

۱۲۵

علی (ع)

الف) مقصود نویسنده از امام راستین چه کسی است؟

ب) عبارت به چه حادثه ای اشاره دارد؟

۱۵

(یک بیت اضافی است)

۳۰) هریک آز مفاهیم زیر، با کدام بیت متناسب است؟

الف) «ناپایداری قدرت» بیت ۱

هر که بی روزی است، روزش دیر شد

در رگ جان هر که را چون زلف، پیچ و تاب است

کی بود، کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟

۱) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد

۲) می تواند حلقه بر در زد حریم حسن را

۳) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند

۳۱) با توجه به بیت زیر به پرسش ها پاسخ دهید:

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد

الف) منظور از «باد» در «مصراع اول» و در «مصراع دوم» چیست؟

۱۵

علی (ع)

ب) منظور از «آتش» در مصراع دوم چیست؟

۳۲) بیت زیر بیانگر کدام اعتقاد دینی است؟

۱۵ معاد، باز لست هم بتوی خدا است

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

۳۳) در بیت زیر مقصود شاعر از «مادر سرسپید» و «سیاه بخت فرزند» چیست؟

ای مادر سرسپید بشنو این پند سیاه بخت فرزند

سیاه بخت فرزند... جنود... احمد... مملک... السوری رهار مادر سرسپید... کوه... رهایند...

۱۵

۳۴) مفهوم مشترک دو بیت زیر را بنویسید:

الف) شو منفجر ای دل زمانه

و آن آتش خود نهفته مپسند

ب) دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟

برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟

کوه... دلست... نیاش... قدم... میخانی... برآ... بیرون... این بیرون...

۳۵) عبارت زیر بیانگر کدام ضرب المثل است، آن را بنویسید:

۱۵ از بیم عقرب جراره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ ها پناه ببرد.

از جمله... دم... دهد... می... میخ... این... این... دل...

چراغ توفیق فرار اهたن باد.